

## بررسی و تحلیل گرایش به خوداشتغالی در بین دانشجویان (مورد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان)

ابوالقاسم عربیون<sup>۱\*</sup>، غلامحسین عبدالله زاده<sup>۲</sup>، ابوالقاسم شریف زاده<sup>۳</sup>

۱. استادیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

۲، ۳. استادیاران دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

(تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۲۵ - تاریخ تصویب: ۹۲/۰۵/۰۶)

### چکیده

هدف تحقیق حاضر تحلیل گرایش به خوداشتغالی و شناسایی ملزومات آغاز کسب و کار فردی در بین دانشجویان است و به بیان عوامل مؤثر بر گرایش به خوداشتغالی آن‌ها می‌پردازد. این تحقیق از لحاظ پارادایم جزء تحقیقات کمی؛ از نظر هدف کاربردی و بر پایه راهبرد پیمایش استوار است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بوده است (تعداد: ۱۶۱۸) که ۱۹۲ نفر از آن‌ها برای نمونه تحقیق انتخاب شدند و از تکنیک نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب برای گزینش تصادفی نمونه‌ها بهره گرفته شده است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شد. نتایج نشان داد گزینه‌های «استخدام در ادارات دولتی» و «راه‌اندازی کسب و کار فردی» از دید ۶۴/۱ درصد و ۴۳/۸ درصد پاسخگویان گزینه مد نظر برای اشتغال بعد از پایان تحصیلات معرفی شده است. نتایج اولویت‌بندی ملزومات خوداشتغالی و کارآفرینی در بین دانشجویان نشان داد که «برخورداری از منابع و امکانات فیزیکی تولید»، «برخورداری از آموزش تخصصی کسب و کار» و «داشتن تجربه کاری در زمینه مربوط» بالاترین اهمیت را داشته‌اند؛ هرچند سطح برخورداری از این‌ها در حال حاضر در بین پاسخگویان اندک است. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که شش عامل: انگیزه‌های فردی و حرفه‌ای، مطلوبیت شغلی و حرفه‌ای، پیشرفت حرفه‌ای و شغلی، نیازهای مالی و رفاهی، توانمندی فردی و سودمندی اجتماعی ۷۸/۷۲ درصد واریانس عوامل مؤثر بر گرایش به خوداشتغالی دانشجویان را بیان کردند.

**واژه‌های کلیدی:** ترجیحات خوداشتغالی، خوداشتغالی، رفتار کارآفرینانه، گرایش به خوداشتغالی، ملزومات

## مقدمه

می‌دهد (Morris, 1998, 27)؛ بنابراین فهم فرایند خوداشتغالی و کارآفرینی برای تصمیم‌گیری شغلی ضروری است و به دانشجویان در تصمیم‌گیری آگاهانه و صحیح برای شروع کسب‌وکار خود کمک می‌کند.

نیاز به کارآفرینی منبعی از توسعه اقتصادی و افزایش درآمد و بهبود رفاه جامعه است و در فرایند آموزش باید اهتمام ویژه‌ای به شکل‌دهی و بهبود گرایش و نگرش دانشجویان نسبت به کسب‌وکار و خوداشتغالی مبذول شود. نتایج تحقیق درباره گرایش به خوداشتغالی در جریان انتخاب برنامه مناسب تحصیل دانشجویان مفید است. یافته‌های چنین تحقیقاتی می‌تواند در شکل‌دهی به علایق و توانایی کارآفرینانه دانشجویان مؤثر باشد و به اتخاذ تدابیر مناسب برای جهت‌دهی و مشاوره شغلی و تدریس با توجه به ماهیت شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان کمک کند؛ علاوه بر این، شناخت به‌دست‌آمده برای فراهم‌سازی اطلاعات در زمینه ضرورت حمایت از دانشجویان برای پیگیری کسب‌وکارهای کارآفرینانه و ارتقای خودشناسی آن‌ها درباره گرایش و انگیزه‌های کارآفرینانه سودمند واقع می‌شود.

تاکنون، نظریه‌های مختلفی در راستای بیان عوامل مؤثر بر خوداشتغالی، فعالیت‌های کارآفرینی و کسب‌وکار فردی مطرح شده است. در این بین، عوامل زیر نقش عمده‌ای دارند:

مشخصه‌های سرمایه انسانی (Borjas, 1986, 491); ویژگی‌های روان‌شناختی یا خصیصه‌های فردی (McClelland, 1961, 774 Fairlie and Meyer, 1996), ویژگی‌های نبود تحرک و پویایی و نقصان بازار نیروی کار (Light, 1988, 117-125 and Bonacich, 1988), نبود توسعه شبکه‌های اجتماعی، نبود دسترسی به منابع و امکانات خانوادگی به‌ویژه ارتباطات خانوادگی در زمینه کسب‌وکار (Yoon, 1991, 319; Boyd, 1991, 423; Butler and Herring, 1991, 86) و دسترسی نداشتن به سرمایه‌های مالی و پولی که عامل اولیه و کلیدی برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار است (Bates, 1992, 109-112).

در پژوهش‌های مختلف، بر عوامل رانشی شامل نیازهایی مانند کافی نبودن درآمد خانواده، بیکاری، نبود رضایت شغلی و انتخاب مشاغل قابل انعطاف به علت تعهدات خانوادگی، که سبب ورود افراد به کسب‌وکار می‌شود، (Orhan and Don, 2001, 240-242) تأکید شده است.

کارآفرین شدن نوعی فرایند رفتار برنامه‌ریزی شده و با قصد و نیت است (Bird, 1998, 445; Krueger et al., 2000, 417) و به همین علت مطالعه گرایش‌های کارآفرینانه برای فهم فرایند کارآفرینی و خوداشتغالی مهم است. شناسایی گرایش‌های کارآفرینانه در مرکز تلاش‌ها برای فهم فرایند کارآفرینی قرار دارد؛ زیرا این گونه گرایش‌ها شالوده‌ای برای ایجاد کسب‌وکارهای نوپا هستند (Krueger and Carsrud, 1993, 321). از طرفی، به علت اینکه فرایند کارآفرینی در طول زمان اتفاق می‌افتد، گرایش به کارآفرینی و خوداشتغالی گامی نخست در فرایندی بلندمدت است و نقشی کلیدی را ایفا می‌کند؛ هرچند که این نقش در طول زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف تغییرپذیر است (Crant, 1996, 47; Gartner, 1998, 17).

در واقع، گرایش به خوداشتغالی لازمه موفقیت در فعالیت‌های مربوط به شروع کسب‌وکارهای نوپاست؛ زیرا آغاز هدفمند فعالیت نیازمند کیفیت‌ها و نگرش‌های منحصربه‌فرد است. کارآفرینان با ویژگی‌هایی مانند نیاز به موفقیت، نیاز به استقلال، تمایل به ریسک و مخاطره، رهبری، گرایش به خلاقیت و نوآوری و فعالیت‌های جدید، روحیه شکست‌ناپذیری و مسئولیت‌پذیری توصیف شده‌اند (McClelland, 1961, 68-76).

همگرایی این ویژگی‌ها در صورتی که با ترسیم اهداف مشخص و با گرایش کارآفرینانه همراه باشد، به عمل کارآفرینانه منجر می‌شود (Lumpkin and Dess, 1996, 151). بدیهی است که دانشجویان واجد این ویژگی‌ها ممکن است راه‌اندازی کسب‌وکار یا خوداشتغالی به شیوه‌ای کارآفرینانه و متناسب با شرایط خود را چشم‌انداز شغلی خود در آینده بدانند. دانشجویان ممکن است برخی گرایش‌های برنامه‌ریزی شده در مسیر شغلی خود داشته باشند. آن‌ها در فرایند آموزش و مهیاسازی شغلی و حرفه‌ای باید فرصت داشته باشند تا با شناسایی اولویت‌های خویش برای خوداشتغالی به نیت و گرایش منطقی برای ترسیم چشم‌انداز شغلی و برنامه‌ریزی دست یابند (Krueger and Brazeal, 1994, 93).

مطالعه گرایش به خوداشتغالی چهارچوبی قوی، عملیاتی و دقیق را برای افزایش درک فرایند کارآفرینی مهیا می‌سازد و شناخت موجود از فرایند کارآفرینی مانند نوآوری، تشخیص فرصت، ریسک‌پذیری و پیشروبودن را افزایش

به شروع کسب‌وکار کارآفرینانه است. دانشجویان دارای تجربه کسب‌وکار به طور منطقی تمایل بیشتری به کارآفرینی و ایجاد شغل اصلی برای خود دارند. این امر ممکن است بر گرایش به خوداشتغالی آن‌ها تأثیر بگذارد. دیدگاه‌های مرتبط با کسب‌وکار بیان می‌کند که گرایش‌ها عامل تعیین‌کننده رفتار هستند و بر تصمیم و تمایل به اجرای عملیات ضروری برای شروع کسب‌وکار مخاطره‌پذیر مؤثرند (Krueger, 1993, 18; Krueger et al., 2000, 421; Shapero, 1982, 87).

از این دیدگاه، گرایش‌های افراد در تبیین رفتار برای شروع کسب‌وکار نوپا مد نظر قرار می‌گیرد (Ajzen, 1987, 7; Krueger, 1993, 12); بنابراین عوامل درونی (مانند ادراک از دسترسی به منابع، امکانات و توانمندی فردی) گرایش‌ها را تغییر می‌دهند و آن‌ها نیز بر رفتار منجر به شروع کسب‌وکار کارآفرینانه تأثیر می‌گذارند (Krueger, 1993, 13). از این دیدگاه، کارآفرینان از طریق گردآوری و پردازش اطلاعات بازار و شرایط بازاریابی، ویژگی‌های منطقه، دسترسی به منابع و امکانات و سایر علائم راهنمای محیط کسب‌وکار درباره خلق و توسعه فرصت کارآفرینانه تصمیم‌گیری می‌کنند (Shapero, 1982, 79; Krueger et al., 2000, 423).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که اطلاعات و آگاهی‌های کافی از شرایط کسب‌وکار دارند یا معتقدند که مهارت‌های ضروری برای کارکردهای کارآفرینی در محیط کسب‌وکار را دارند ممکن است تمایل و گرایش بیشتری در طراحی و پیگیری اجرای کسب‌وکارهای کارآفرینانه داشته باشند (Boyd and Vozikis, 1994, 70; Chen et al., 1998, 302; Krueger and Brazeal, 1994, 98).

از دیدگاه پژوهش‌های مبتنی بر سرمایه انسانی، آموزش از طریق فراهم‌سازی مهارت‌های عمومی، دانش عمومی و تخصصی دسترسی به دنیای کسب‌وکار را ساده می‌کند. این امر از طریق توانمندسازی افراد در ارزیابی بازار نیروی کار و انواع کالاهایی که مشتریان تقاضا می‌دهند و سازماندهی کسب‌وکار امکان‌پذیر است (Borjas, 1986, 496). از طرفی، برای انباشت منابع مالی لازم برای شروع کسب‌وکار گذشت زمان نیاز است؛ بنابراین افراد مجبور به تأخیر گرایش کارآفرینانه خود تا زمان دسترسی به منابع مالی لازم می‌شوند (Borjas, 1986, 501; Butler and Herring, 1991, 92).

برخی از عوامل شناسایی‌شده جنبه درونی و فردی و برخی دیگر ماهیت بیرونی و محیطی دارند. در این بین، گرایش کارآفرینانه در فرایند کارآفرین شدن گام اول شکل‌دهی به فرایند ایجاد و استقرار کسب‌وکار است و نقشی اساسی دارد؛ به علاوه عاملی کلیدی در شکل‌دهی به رفتار است (Fishbein and Ajzen, 1975, 53-65).

هرچند پژوهش‌های مختلفی مدل‌های نیت کارآفرینانه را برای بیان و پیش‌بینی فرایندهای مرتبط با رفتار شروع کسب‌وکار و آغاز خوداشتغالی به کار گرفته‌اند (Davidson, 1995, 23-24; Krueger, 1993, 11; Shapero, 1982, 75-83; Barani et al., 2009). اما پژوهش‌های کمتری به عوامل بیان‌کننده گرایش به خوداشتغالی، انگیزه‌ها و دلایل خوداشتغالی و ارزیابی گزینه‌های کسب‌وکار و تحلیل تجربی همزمان آن‌ها پرداخته‌اند؛ به علاوه مدل‌های نیت کارآفرینانه ممکن است برای بیان گرایش به خوداشتغالی دانشجویان کارایی مناسبی نداشته باشند؛ زیرا اغلب فراتر از نگرش‌ها، باورها و اعتقاد به عوامل رفتار رهبری و کارآفرینی، خودکارآمدی و توانمندی کارآفرینانه به ارزیابی امکان‌پذیری یک فرصت نمی‌پردازند (Bass, 1997, 23).

هرچند مؤلفه‌های فوق در فرایند کارآفرینی و آغاز کسب‌وکار ضروری هستند اما باید توجه کرد که افراد خصیصه‌های منحصر به فردی دارند که بر رفتار کارآفرینی و غیر کارآفرینانه آن‌ها و دلایل و انگیزه‌های شروع کسب‌وکار مخاطره‌پذیر تأثیرگذارند (Deakins and Freel, 1998, 148). این عوامل از طریق تحلیل‌های مبتنی بر الگوهای نیت کارآفرینانه قابل استخراج نیستند.

پژوهش‌ها بیانگر این است که خانواده‌های صاحب کسب‌وکار شخصی خود به صورت الگوی نقش برای اعضای جوان‌تر خانوار عمل می‌کنند و تأثیر زیادی بر تصمیم فرد برای کارآفرین شدن دارند (Scherer et al., 1991, 199). بنا به پژوهش‌های صورت گرفته، بیشتر افراد درگیر در کسب‌وکارهای کارآفرینانه خانواده‌ها و دوستانی دارند که به کسب‌وکارهای شخصی خود مشغولند (Henderson, 2002, 61). این ویژگی‌ها ممکن است بر گرایش آن‌ها به خوداشتغالی تأثیر بگذارد. دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه گرایش‌های کارآفرینانه وجود دارد (Krueger and carsrud, 1993). از منظر فرایند کارآفرینی، نشان دادند که گرایش‌ها وابسته به مطلوبیت‌های عینی خواسته‌ها، باور به خودکارآمدی، امکان اجرای فعالیت‌های کارآفرینی و تمایل

مؤلفه‌های فوق با تأثیر بر نیت افراد رفتار آن‌ها را به سمت کارآفرینی هدایت می‌کند. وجود اعضای خانوار در محیط کسب‌وکار منبع کمک مالی و غیر مالی است و در قالب ایفای الگوهای نقش بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بر گرایش‌های کسب‌وکار افراد و چگونگی ورود آن‌ها به دنیای کارآفرینی تأثیرگذار است. تماس با کارآفرینان فرصتی را برای کسب برخی مهارت‌ها و ویژگی‌های مرتبط با کارآفرینی فراهم می‌کند (Landry et al., 1992, 597). داشتن اعضای خانواده در دنیای کسب‌وکار فرصت نوعی آموزش و یادگیری را برای ارزیابی آمون خوداشتغالی در مقابل کار دستمزدی برای تازه‌واردان فراهم می‌کند. رهیافت‌های اقتصادی و دسترسی به سرمایه مالی برای شروع کسب‌وکار عامل اولیه تعیین‌کننده است (Raijman, 1996, 72)؛ بنابراین تجمع دارایی مالی در اعضای خانوار به علت اینکه امکانات کافی را برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای مخاطره‌پذیر فراهم می‌کند عامل مهمی است.

بیشتر تحقیقات در زمینه گرایش کارآفرینانه عوامل اصلی از قبیل درجه تمایل (ادارک از میزان تمایل به شروع کسب‌وکار)، امکان‌پذیری (درجه‌ای که در آن احساسات قادر به انجام کار هستند) نگرش به کسب‌وکار (Davidsson, 1991, 410; Krueger, 1993, 10; Shapero, 1982, 75) را بررسی کرده‌اند. از دیدگاه روان‌شناختی، گرایش به خوداشتغالی بیانگر جهت‌گیری‌های درونی و شخصی فرد در راستای تحقق اهداف مورد انتظار از رفتار و اقدام کارآفرینانه هستند. در حقیقت، در فرایند کارآفرینی نوعی پیوند و همگرایی بین گرایش‌ها، قابلیت‌ها و انگیزه‌های کارآفرینانه مشاهده می‌شود. از این رو، در این تحقیق علاوه بر عوامل مؤثر بر گرایش به خوداشتغالی دانشجویان، اهداف و انگیزه‌های آن‌ها نیز مد نظر قرار گرفته است.

در مجموع، مطالعه حاضر برای ارتقای شناخت موجود در زمینه گرایش به خوداشتغالی دانشجویان از طریق پاسخگویی به پرسش‌ها انجام شده است:

۱. گرایش به خوداشتغالی در بین دانشجویان به چه صورت است و گزینه‌های شغلی موردنظر دانشجویان بعد از پایان تحصیلات چیست و چه اولویتی دارد؟
۲. عوامل تأثیرگذار بر گرایش به خوداشتغالی کدامند؟
۳. میزان اهمیت و سطح برخورداری از هریک از ملزومات خوداشتغالی و کارآفرینی که کارآفرینان بالقوه در شروع یا تلاش برای شروع یک کسب‌وکار با آن مواجه هستند چگونه است؟

در همین زمینه، (Evans and Leighton, 1989, 117) در نتیجه پژوهشی دریافتند که میزان خوداشتغالی با سن افزایش می‌یابد و سپس ثابت باقی می‌ماند؛ بنابراین نبود دانش و مهارت و اطلاعات برای آینده تا زمانی که فرصتی برای کسب تجربه حاصل آید و دسترسی به منابع مالی امکان‌پذیر شود، باعث می‌شود که افراد گرایش به خوداشتغالی را تا دستیابی به شرایط فوق به تأخیر بیندازند (Raijman, 1996, 98). علاوه بر این، تجربیات کاری برای دستیابی به مهارت‌های متناسب مدیریت کسب‌وکار ضروری است. در همین زمینه نیز (Shapero, 1982, 83) تأکید می‌کند که تجربه‌ها و زمینه‌های قبلی بر نگرش تأثیر می‌گذارند که آن نیز به نوبه خود بر نیت منجر به عمل یا رفتار تأثیرگذار است. برخی تحقیقات نیز نشان داده‌اند که گرایش‌های اولیه افراد پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای انتخاب گزینه‌های کسب‌وکار هستند (Kim and Hunter, 1993, 350).

علاوه بر ویژگی‌های فردی، پژوهش‌های مختلفی نیز به زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی شکل‌دهنده فرایند آغاز کسب‌وکار پرداخته‌اند. روابط خانوادگی بیانگر شکلی از سرمایه اجتماعی برای کارآفرینان است (Boyd, 1991, 316; Yoon, 1991, 424). فرض بر این است که خانواده شبکه کارآفرینی افراد را به دو صورت حمایت می‌کند. در گام نخست، اعضای خانواده نیروی کاری رایگان را فراهم می‌آورند که این امر به کاهش هزینه‌های عملیات شروع کسب‌وکار منجر می‌شود. در مرحله بعد، از طریق سرمایه‌گذاری مشترک منابع مالی و فیزیکی برای شروع کسب‌وکار پیشرفت در مراحل مختلف کسب‌وکار سرعت می‌گیرد؛ همچنین داشتن روابط نزدیک خانوادگی در دنیای کسب‌وکار دسترسی آسان‌تری به اطلاعات بازار و کمک‌های مالی و غیر مالی برای تازه‌واردان فراهم می‌آورد (Butler and Herring, 1991, 90).

Yoon (1991) در تحقیقی به این نتیجه رسیده است که سرمایه خانوادگی و خویشاوندی (خانواده، دوستان و افراد فامیل) در مراحل اولیه شروع کسب‌وکار بسیار مهم هستند؛ اما در مراحل پیشرفت کار، که مهارت و سرمایه مالی تعیین‌کننده اصلی موفقیت در کسب‌وکار است، اهمیت و کارایی اولیه خود را از دست می‌دهد؛ بنابراین منابع و امکانات خانوادگی برای افرادی که دسترسی کمتری به منابع شروع کسب‌وکار دارند مهم‌ترند. در نهایت، عوامل و

## روش تحقیق

کسب‌وکار خصوصی داشتند. از نظر میزان علاقه به رشته تحصیلی، ۴۳/۵ درصد در سطح کم، ۳۷/۸ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۷ درصد در سطح زیاد به رشته خود علاقه داشته‌اند. در این راستا، ۳۵/۳ درصد پاسخگویان بیان کرده‌اند که علاوه بر رشته تحصیلی کنونی به کسب تخصص یا مهارت دیگری نیز اقدام کرده‌اند تا برای راه‌اندازی کسب‌وکار شخصی خود در آینده استفاده کنند. ۴۱/۲ درصد پاسخگویان در حد زیاد و بسیار زیاد راه‌اندازی کسب‌وکار شخصی را برای خود امکان‌پذیر می‌دانند. ۱۲/۳ درصد نیز توانسته‌اند با امکانات موجود کسب‌وکار موردنظر خود را راه‌اندازی کنند.

## ۲. اولویت‌بندی گزینه‌های شغلی

جدول ۱ اولویت‌بندی گزینه‌های شغلی برای دانشجویان را بعد از اتمام تحصیلات نشان می‌دهد. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که بالاترین اولویت مربوط به گزینه دوم یعنی «استخدام در ادارات دولتی» است؛ به طوری که ۶۴/۱ درصد پاسخگویان این گزینه را راه حل موردنظر برای شروع به اشتغال خود بعد از پایان تحصیلات معرفی کرده‌اند. این امر بیانگر تمایل کم دانشجویان کشاورزی به شروع کسب‌وکارهای کارآفرینانه یا ارزیابی ضعیف آن‌ها از امکان راه‌اندازی کسب‌وکارهای شخصی در حوزه کشاورزی است. پس از آن، گزینه‌های «راه‌اندازی کسب‌وکاری معین برای خویش» و «استخدام در بخش خصوصی» (در کسب‌وکارهای متعلق به دیگران) قرار دارد که ۴۳/۸ درصد و ۳۵/۴ درصد پاسخگویان آن را انتخاب کرده‌اند. کمترین اولویت نیز به دو گزینه «شروع کار برای یک کسب‌وکار با مالکیت یکی از اعضای خانواده یا خویشاوندان» و «ادامه کار در شغل و کسب‌وکار فعلی خود یا خانواده» تعلق دارد که فقط ۱۰/۹ و ۱۷/۷ درصد پاسخگویان آن را انتخاب کرده‌اند.

این تحقیق از نظر پارادایم جزء تحقیقات کمی است و بر پایه راهبرد پیمایش استوار است؛ همچنین از منظر هدف، کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات میدانی و از دیدگاه کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل همه دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان به تعداد ۱۶۱۸ نفر در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بوده است. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۱۹۲ نفر برآورد شد و به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب نسبت به انتخاب دانشجویان رشته‌ها و مقاطع مختلف تحصیلی مبادرت شد. ابزار این تحقیق پرسشنامه‌ای شامل بخش‌های: ویژگی‌های فردی و خانوادگی، اطلاعات تحصیلی، وضعیت اشتغال، گویه‌های مرتبط با گزینه‌های شغلی، ملزومات خوداشتغالی و کارآفرینی و دلایل و انگیزه‌های خوداشتغالی بود. این پرسشنامه ابزار تحقیق برای گردآوری داده‌هاست. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو سطح آمار توصیفی (فراوانی، درصد، درصد تجمعی و معتبر، میانگین)، ضریب تغییرات (CV)<sup>۱</sup> و استنباطی (تحلیل عاملی) برای تعیین مؤلفه‌های بیان‌کننده گرایش به خوداشتغالی در بین دانشجویان با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

## یافته‌های تحقیق

## ۱. ویژگی‌های توصیفی پاسخگویان

## ویژگی‌های پاسخگویان

متوسط سنی پاسخگویان ۲۱/۸۷ سال بود و از نظر ترکیب جنسی ۵۷/۸ درصد زن بودند. ۷۷/۸۲ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کارشناسی، ۱۹/۷۴ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۲/۴۴ درصد نیز در مقطع دکتری تحصیل می‌کردند. اعضای خانواده ۵۳/۷ درصد پاسخگویان

جدول ۱. اولویت‌بندی گزینه‌های شغلی دانشجویان (پاسخ‌های چندگانه)

درصد	فراوانی	گزینه‌های شغلی
۱۷/۷	۳۴	ادامه کار در شغل و کسب‌وکار فعلی خود یا خانواده
۶۴/۱	۱۲۳	استخدام در ادارات دولتی
۳۵/۴	۶۸	استخدام در بخش خصوصی (در کسب‌وکارهای متعلق به دیگران)
۱۰/۹	۲۱	کار برای کسب‌وکار جدید متعلق به یکی از اعضای خانواده یا خویشاوندان
۴۳/۸	۸۴	راه‌اندازی کسب‌وکاری معین برای خویش (خوداشتغالی و خودفرمایی)
۲۸/۶	۵۵	راه‌اندازی کسب‌وکار به صورت شراکتی یا گروهی و دسته‌جمعی (تعاونی)

۳. اولویت‌بندی ملزومات خوداشتغالی

جدول ۲ اولویت ملزومات خوداشتغالی در بین دانشجویان را از نظر میزان اهمیت و سطح برخورداری نشان می‌دهد. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که «برخورداری از منابع و امکانات فیزیکی تولید»، «برخورداری از آموزش تخصصی کسب‌وکار»، «داشتن تجربیات کاری در زمینه مربوط» و «روابط و پیوندهای کاری، شغلی و آشنایی با ارگان‌های مرتبط» بیشترین اهمیت را از دیدگاه پاسخگویان داشته‌اند. کمترین اهمیت نیز مربوط به گزینه‌های «خوش‌شانسی» و «برخورداری از رفاه فردی» بوده است؛ سپس در ادامه این قسمت از پاسخگویان خواسته شد میزان برخورداری خود را از هر یک از ملزومات خوداشتغالی مشخص کنند. نتایج نشان داد که بیشترین سطح برخورداری مربوط به گزینه «حمایت کافی از طرف خانواده» بوده است، در حالی که از نظر آنان این

عامل در رتبه هشتم میزان اهمیت قرار دارد. سطح برخورداری از عامل «روابط و پیوندهای کاری، شغلی و آشنایی با ارگان‌های مرتبط» بر خلاف اهمیت بسیار زیاد آن برای کارآفرینی در بین پاسخگویان بسیار اندک بوده است و در رتبه آخر قرار گرفته است. این عامل بیشتر مربوط به شرایط محیطی خارج از کنترل افراد است که در شرایط فعلی از دیدگاه پاسخگویان اولویت بالاتری برای کارآفرینی و خوداشتغالی دارد، در حالی که با وجود برخورداری از حمایت کافی خانواده این عامل اهمیت بسیار اندکی در کارآفرینی و خوداشتغالی دارد. علاوه بر آن سطح برخورداری پاسخگویان از دو گزینه‌ای که بیشترین اهمیت را داشته‌اند یعنی «برخورداری از منابع و امکانات فیزیکی تولید» و «سرمایه مالی مناسب» نیز اندک بوده است.

جدول ۲. اولویت‌بندی ملزومات خوداشتغالی از دیدگاه دانشجویان

ردیف	ملزومات خوداشتغالی	میزان اهمیت		میزان برخورداری	
		رتبه	ضریب میانگین*	رتبه	ضریب میانگین*
۱	برخورداری از آموزش تخصصی کسب‌وکار	۲	۰/۲۶	۵/۱۹	۰/۴۲
۲	برخورداری از آموزش‌های عمومی (آموزش غیر کسب‌وکار)	۹	۰/۴۰	۶/۱۳	۰/۳۳
۳	برخورداری از رفاه فردی	۱۰	۰/۴۱	۵/۱۶	۰/۴۰
۴	خوش‌شانسی	۱۱	۰/۷۲	۴/۷۸	۰/۵۰
۵	تجربیات کاری در زمینه مربوط	۳	۰/۲۷	۴/۵۲	۰/۵۵
۶	سرمایه مالی مناسب	۵	۰/۲۹	۴/۱۲	۰/۵۶
۷	برخورداری کافی از حمایت خانواده	۸	۰/۳۵	۶/۸۸	۰/۲۹
۸	مهارت‌های اجتماعی رهبری و هدایت دیگران	۷	۰/۳۴	۵/۵۹	۰/۳۱
۹	برخورداری از منابع و امکانات فیزیکی تولید	۱	۰/۲۵	۳/۹۴	۰/۷۰
۱۰	قابلیت‌ها و ویژگی‌های فردی و شخصیتی	۶	۰/۳۳	۵/۳۸	۰/۴۵
۱۱	روابط و پیوندهای کاری، شغلی و آشنایی با ارگان‌های مرتبط	۴	۰/۲۸	۳/۷۲	۰/۷۷

\*: میانگین از ۱۰ محاسبه شده است.

۴. نتایج تحلیل عاملی

برای شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش به خوداشتغالی در بین دانشجویان و کاهش تعداد متغیرهای بیان‌کننده در ابعاد جدید از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی (نوع R) به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شده است. بر این اساس در گام اول به بررسی مناسب بودن مجموعه موردنظر برای تحلیل عاملی پرداخته شده است. در این رابطه، مقدار KMO ۰/۷۵۳ محاسبه شده و مقدار بارتلت، که در سطح

۰/۰۱ درصد معنی‌دار شده، ۳۷۹۷/۴۹ محاسبه شده است که بیانگر مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی است. پس از اطمینان از مناسب بودن مجموعه مورد نظر، تحلیل عاملی انجام شده است. در این زمینه، از چرخش وریماکس<sup>۱</sup> برای ایجاد ساختار عاملی متناسب بهره گرفته شده است؛ زیرا

1. Varimax



شده را توضیح دهند. سه عامل بعدی به ترتیب ۹/۶۷، ۹/۰۷ و ۶/۱۲ درصد کل واریانس مجموعه تحلیل شده (عوامل مؤثر بر گرایش به خوداشتغالی) را بیان کرده‌اند. در کل، این شش عامل توانسته‌اند ۷۸/۷۲ درصد واریانس کل را بیان کنند. جدول ۳ متغیرهای معنی‌دار در هر عامل را پس از چرخش به روش واریامکس و بر اساس قرارگرفتن متغیرهایی با بار عامل بزرگ‌تر از ۰/۵ نشان می‌دهد که نام‌گذاری عامل‌ها بر این اساس صورت گرفته است.

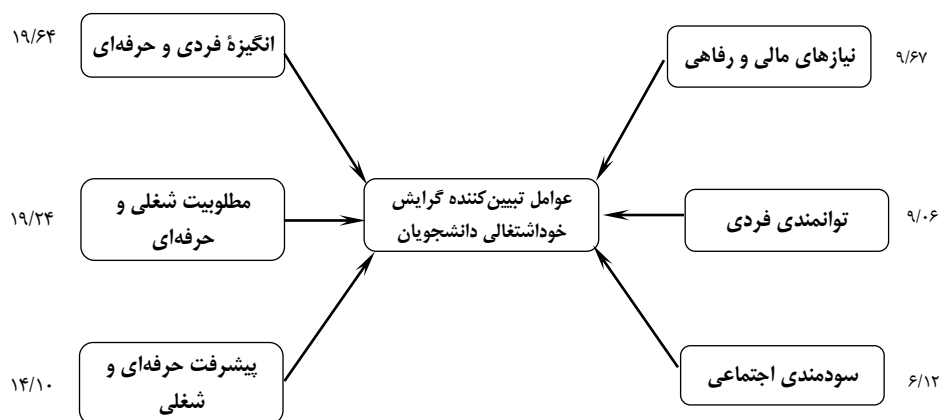
جداسازی عامل‌ها را شفاف و واضح انجام می‌دهد. برای تعیین تعداد عامل‌ها بر اساس مقادیر ویژه بیشتر از یک عمل شده است. جدول ۳ گویه‌های شش عامل استخراج شده با فرض معنی‌داری بارهای عاملی بیش از ۰/۵ را در هر عامل نشان می‌دهد. بر این اساس عامل نخست با مقدار ویژه ۴/۵۲ به-تنهایی بیان‌کننده ۱۹/۶۴ درصد واریانس کل است. عامل‌های دوم و سوم نیز به ترتیب بیان‌کننده ۱۹/۲۴ و ۱۴/۱ درصد واریانس کل هستند. به طور کلی، سه عامل نخست توانسته‌اند حدود نیمی (۵۳/۸۸ درصد) از کل واریانس مجموعه تحلیل

جدول ۳. نتایج تحلیل عوامل مؤثر بر گرایش به خوداشتغالی

مقدار ویژه	درصد واریانس	بار عاملی	نام پیشنهادی
۴/۵۲	۱۹/۶۴	۰/۸۵۳	برآورده کردن آمال و آرزوهای شخصی
		۰/۹۴۲	انگیزه و خلاقیت برای شروع کسب و کار جدید
		۰/۹۷۵	تمایل به رقابت و کسب موفقیت چشمگیر در امور کسب و کار
		۰/۹۶۹	شناسایی نیازهای بازار و جامعه و تأمین آن‌ها
۴/۴۳	۱۹/۲۴	۰/۹۴۰	عملی‌سازی تجربه‌ها و مهارت‌ها
		۰/۹۰۹	وجود ساعات طولانی کار در ارگان‌های دولتی
		۰/۹۵۲	وقت بیشتر برای تفریح و سرگرمی
		۰/۹۲۰	پیچیدگی محیط شغلی و قوانین و مقررات در ارگان‌های دولتی
		۰/۹۳۳	ایجاد امنیت و ثبات شغلی و حرفه‌ای
۳/۴۵	۱۴/۱	۰/۹۵۷	قدرت تصمیم‌گیری و خودمختاربودن
		۰/۸۹۱	ایجاد فرصت برای پیشرفت شغلی
		۰/۹۴۱	کسب سود بیشتر بر اساس لیاقت و شایستگی
		۰/۸۲۰	بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی موجود در بازار
۲/۲۳	۹/۶۷	۰/۹۱۰	تولید محصولات جدید و با ارزش
		۰/۹۴۳	برآورده کردن نیازهای مالی اعضای خانواده
		۰/۸۹۲	تأمین رفاه شخصی و خانوادگی
۲/۰۸	۹/۰۶	۰/۶۳۴	کسب درآمد و سود و تأمین پس‌انداز در زمان سالمندی
		۰/۸۱۴	ایده‌ها و طرح‌های جدید برای شروع کسب و کار
		۰/۸۳۶	برخوردار شدن از مهارت‌های تخصصی مربوط به کسب و کاری مشخص
۱/۴۱	۶/۱۲	۰/۷۱۶	برخوردار شدن از مهارت‌های عمومی کسب و کار (مدیریت، بازاریابی و امور مالی)
		۰/۷۹۱	سودمند و مفید واقع شدن برای جامعه و سایر افراد
		۰/۵۶۸	پذیرش تعهدات و مسئولیت‌های بیشتر در محیط اجتماعی
		۰/۶۰۷	کسب اعتبار و شأن اجتماعی و شخصی

توانمندی فردی و سودمندی اجتماعی نام‌گذاری شدند. به طور کلی، مجموع واریانسی که شش عامل تبیین‌کننده گرایش به خوداشتغالی دانشجویان بیان کرده ۷۸/۷۲ درصد است که سهم درصدی هر یک از عوامل در شکل ۱ ارائه شده است.

با توجه به جدول و مشاهده گویه‌های معنی‌دار در هر عامل شش عامل معنی‌دار شده نام‌گذاری می‌شود. این عوامل به ترتیب: انگیزه‌های فردی و حرفه‌ای، مطلوبیت شغلی و حرفه‌ای، پیشرفت حرفه‌ای و شغلی، نیازهای مالی و رفاهی،



شکل ۱. مدل تحلیلی سهم عوامل تبیین کننده گرایش به خوداشتغالی دانشجویان

### نتایج و بحث

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل گرایش به خوداشتغالی در بین دانشجویان انجام شد و نتایج متعددی را آشکار کرد. اولویت‌بندی گزینه‌های شغلی مد نظر دانشجویان بعد از پایان تحصیل برای شناسایی عملی گرایش کارآفرینانه آن‌ها نشان داد که گزینه‌های استخدام در ادارات دولتی و راه‌اندازی کسب‌وکاری معین برای خویش (خوداشتغالی و خودفرمایی) اولویت‌های بالاتری داشته‌اند. برخی پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز بیان کرده‌اند که قصد کارآفرینانه در بین دانشجویان ضعیف است (Banarani and Zarafshani, 2009)؛ همچنین اولویت‌بندی ملزومات خوداشتغالی و کارآفرینی نشان داد که مواردی از قبیل «برخورداری از منابع و امکانات فیزیکی تولید»، «برخورداری از آموزش تخصصی کسب‌وکار» و «تجربه کاری در زمینه مربوط» بیشترین اهمیت را از دیدگاه پاسخگویان داشته است. بر همین اساس ۳۵/۳ درصد دانشجویان به کسب تخصص یا مهارت دیگری برای راه‌اندازی کسب‌وکاری معین برای خود نیز اقدام کرده‌اند. این نتیجه همراستا با پژوهش Krueger (1993, 427) است که تمایل بیشتر دانشجویان دارای تجربه پیشین در کسب‌وکار را به توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه گزارش کرده است. علاوه بر آن پژوهش‌ها نشان داده که با افزایش اطلاعات از محیط کسب‌وکار و اعتقاد به برخورداری از مهارت‌های مورد نیاز گرایش به کارآفرینانی نیز بیشتر می‌شود (Boyd and Vozikis, 1994, 74; Chen et al., 1998, 311; Krueger and Brazeal, 1994, 426).

به طور کلی، برخورداری از دانش عمومی و تخصصی شغلی سازماندهی کسب‌وکار را ساده می‌کند (Borjas, 1986, 502). تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان در پژوهش‌های داخل کشور نیز تأیید شده است (Mohseni, 2008; Arasti et al., 2011)؛ همچنین نتایج تحقیق نشان داد که پاسخگویان از حمایت کافی خانواده برخوردار هستند.

پژوهش‌های مختلفی بر تأثیر روابط و پیوندهای محکم خانوادگی برای کارآفرینی و خوداشتغالی تأکید کرده‌اند (Boyd, 1991, 74; Yoon, 1991, 328) و تأثیر حمایت خانوادگی ادراک‌شده بر قصد کارآفرینی را نیز نشان داده‌اند (Rahmanian et al., 2012). این امر دستیابی به اطلاعات بازار را ساده می‌کند و کمک‌های مالی و غیر مالی را برای افراد فراهم می‌کند (Butler and Herring, 1991, 90).

هرچند نتیجه مطالعه حاضر اهمیت اندک این مؤلفه در فرایند خوداشتغالی را نشان داد اما پاسخگویان سطح برخورداری خود از این عامل را بسیار بالا گزارش کردند. نتایج تحلیل عامل نشان داد که شش عامل انگیزه‌های فردی و حرفه‌ای، مطلوبیت شغلی و حرفه‌ای، پیشرفت حرفه‌ای و شغلی، نیازهای مالی و رفاهی، توانمندی فردی و سودمندی اجتماعی ۷۸/۷۲ درصد عوامل مؤثر بر گرایش به خوداشتغالی را بیان می‌کنند. در واقع، هر اندازه سطح عامل‌های ذکرشده در بین افراد بهبود یابد، تمایل آن‌ها به خوداشتغالی نیز افزایش می‌یابد. به واقع، همسوبودن عوامل ذکرشده با فعالیت‌های کارآفرینانه پاسخ مساعد به تصمیم راه‌اندازی کسب‌وکاری جدید را در پی دارد و آن‌ها به



حذف وثیقه‌ها و ضمانت‌های غیر اصولی و اصلاح قوانین زائد اداری بیشتر توجه کرد.

سرمایه مالی اولیه و مهارت لازم برای کسب‌وکار دو عنصر کلیدی آغاز کسب‌وکارند که خانواده آن‌ها را تأمین می‌کند اما عوامل و محدودیت‌های اداری آن را تضعیف می‌کند. به این علت بیشتر پاسخگویان داشتن روابط و پیوندهای کاری، شغلی و آشنایی با ارگان‌های مرتبط دولتی را با اهمیت ارزیابی کرده‌اند. قوانین سختگیرانه اخذ اعتبار برای شروع کسب‌وکار در این راستا عمل می‌کنند؛ بنابراین کاهش قوانین زائد بوروکراسی اداری برای فراهم کردن محیط مناسب برای شروع کسب‌وکار از طریق تسهیل اخذ مجوز کسب‌وکار و اعتبارات لازم برای آن به عملیاتی کردن نیات کارآفرینانه کمک می‌کند.

باید در برنامه‌های درسی به تشویق و ترغیب انگیزه‌ها و اهداف مثبت دانشجویان، ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای آن‌ها، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای بروز خلاقیت‌ها و ارائه ایده‌ها بیشتر توجه شود. در این باره باید به شناسایی و معرفی دانشجویان یا دانش‌آموختگان کارآفرین به عنوان الگوی نقش، دعوت از کارآفرینان موفق برای حضور در دانشگاه برای تقسیم تجربیات خویش با دانشجویان و شکل‌دهی تیم‌ها و شبکه‌های کارآفرینی متشکل از دانشجویان، استادان، کارآفرینان بالفعل و غیره مبادرت کرد. مراکز رشد کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها می‌توانند متولی چنین اقداماتی باشند و با تهیه و انتشار مطالب آموزشی و ترویجی، برگزاری همایش، نمایشگاه دستاوردهای کارآفرینی و خوداشتغالی دانشجویان و دیگر اقدامات فرهنگی و ترویجی به تحریک و برانگیزش و شکل‌دهی گرایش‌های کارآفرینی و خوداشتغالی دانشجویان همت گمارند.

تشریح ابعاد و دستاوردها و پیامدهای مختلف اقدامات کارآفرینانه از طریق خدمات مشاوره شغلی و نیز در جریان فعالیت‌های آموزشی و ترویجی در زمینه کارآفرینی در سطح دانشگاه گرایش‌های مختلف کارآفرینانه دانشجویان را شکل می‌دهد. در این باره، باید تنوع انگیزه‌ها و گرایش‌های کارآفرینانه دانشجویان به حساب آید و به آن‌ها کمک شود با شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی گزینه‌های اشتغال و کارآفرینی و ترسیم چشم‌انداز شغلی مشخص، در طول تحصیل و پس از آن به صورت هدفمند در راستای اهداف موردنظر گام بردارند. چنین رویکردی سبب می‌شود دانشجویان در طول تحصیل در دانشگاه که بی‌تردید به

عامل نیروزا برای بروز رفتار کارآفرینانه در فرد تبدیل می‌شوند.

مواردی مانند کافی‌نبودن درآمد خانواده و نیاز مالی، بیکاری، نبود رضایت شغلی و انتخاب مشاغل قابل انعطاف (Orhan and Don, 2001, 244) در پژوهش‌های مختلف مورد به عنوان عوامل پیش‌برنده خوداشتغالی معرفی شده که با توجه به متغیرهای معنی‌دار در عوامل استخراج نتایج مشابهی را گزارش می‌دهند؛ علاوه بر آن عوامل برخورداری از سرمایه انسانی و اجتماعی (Borjas, 1986, 503;) (Fairlie and Meyer, 1996, 784)، نبود رضایت از مشاغل قبلی و امید به پیشرفت در کسب‌وکارهای آینده (Light and Bonacich, 1988, 118)، داشتن نیاز مالی فردی و خانوادگی (Yoon, 1991, 322; Boyd, 1991,) (Butler and Herring, 1991, 89) عوامل کلیدی شکل‌دهنده گرایش‌های کارآفرینانه افراد معرفی شده‌اند.

یافته‌های تحقیق حاضر ابزار مفیدی برای درک فرایند تصمیم‌گیری دانشجویان و شناسایی عوامل مؤثر بر آن را فراهم می‌کند و بیانگر ارزش بالقوه شناسایی گرایش به خوداشتغالی در تحلیل فرایند کارآفرینی دانشجویان، انتخاب روش‌های مناسب تدریس و برنامه‌ریزی درسی است. در ادامه، بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهادهایی ارائه شده است.

### پیشنهادها

یافته‌های تحقیق درباره ملزومات خوداشتغالی و کارآفرینی دانشجویان نقش کلیدی شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه پیوندهای خانوادگی در شکل‌دهی به گرایش‌های کارآفرینانه دانشجویان را نشان می‌دهد؛ بنابراین حمایت از شبکه‌سازی و فراهم کردن امکانات و زمینه لازم در برخورداری دانشجویان از مشاوران متخصص، مشاوره نهادها و انجمن‌های تخصصی تجاری در هدایت گرایش کارآفرینانه افراد مؤثر است. به این موضوع‌ها به‌ویژه برنامه‌های درسی کارآموزی دانشجویان باید توجه کرد.

بر خلاف برخورداری بیشتر پاسخگویان از حمایت خانوادگی و نقش این گونه پیوندها در شکل‌دهی به آغاز فرایند کسب‌وکار، به‌ویژه کسب مهارت و سرمایه مالی، به اعتقاد بیشتر پاسخگویان این عامل برای آغاز فرایند کسب‌وکار اهمیت اندکی دارد؛ از این رو تعدیل سازوکارهای اداری برای راه‌اندازی کسب‌وکار و تقویت و حمایت کسب‌وکارهای خانوادگی در این راستا مفید است. باید به

توانمندسازی فردی و رشد حرفه‌ای آن‌ها ارتقا یابد. بدین منظور، لازم است همهٔ مدرسان به سهم هر درس و دورهٔ آموزشی در شکل‌دهی و پیشبرد چشم‌انداز شغلی کارآفرینانه دانشجویان توجه کنند و به بیان دیگر، فرایند آموزش را نه به صورت خنثی، بلکه با رویکرد کارآفرینانه و جهت‌دهندهٔ مسیر شغلی و کاری دانشجویان ارائه دهند.

منابع و فرصت‌های ارزشمند آموزش، مشاورهٔ شغلی و تحصیلی، الگوهای نقش، شبکهٔ روابط اجتماعی و مانند آن دسترسی دارند، همواره به آیندهٔ شغلی و حرفه‌ای خویش بنگرند و این کار را به دوران پس از تحصیل موکول نکنند. بی‌تردید، برخورداری از گرایش‌ها و اهداف مشخص سبب می‌شود دانشجویان با جدیت بیشتری به امور تحصیلی خود بپردازند و در نتیجه یادگیری، کیفیت تحصیلی و آموزشی و

## REFERENCES

- Ajzen, I. (1987). Attitudes, traits, and actions: Dispositional prediction of behavior in social psychology, *Advances in Experimental Social Psychology*, 20:1–63.
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50, 179–211.
- Arasti, Z., Saeid Banadeiki, S. & Emianipour, N. (2011). The role of entrepreneurship fundamentals course in entrepreneurial intention of students of non-management field (case of faculty of art, literature and human sciences in university of Tehran). *Entrepreneurship Development*, 4 (14): 107-124.
- Balkin, S. (1989). *Self-employment for low income people*, Praeger, New York.
- Barani, S. & Zarafshani, K. 2009. Investigating the effect of attitude towards entrepreneurship, entrepreneurial beliefs and culture in the society, and entrepreneurial self-efficacy in predicting entrepreneurial intention among student of rural development and management in Payamnor university of Kermanshah. *Iranian Journal of Agricultural Economic and Development Research*. 40-2 (3): 91-99.
- Barani, S., Athari, Z. & Zarafshani, K. (2009). Determinants of Entrepreneurial Intentions among Technical and Vocational Agriculture Students: A Case Study in Kermanshah Province. *Entrepreneurship Development*, 2 (6): 73-96.
- Bass, B. M. (1997). Personal selling and transactional/transformational leadership, *The Journal of Personal Selling & Sales Management*, 17 (3) 19-28.
- Bates, T. (1992). Banking on black enterprise: The potential of emerging firms for revitalizing urban economies, Joint Center for Political and Economic Studies, Washington, D.C.
- Bird, B. (1988). Implementing entrepreneurial ideas: the case for intention, *Academy of Management Review*, 13, 442–453.
- Borjas, G. (1986). The Self-Employment experience of immigrants, *Journal of Human Resources*, 21 485–506.
- Boyd, N. G. & Vozikis, G. S. (1994). The influence of Self-efficacy on the development of entrepreneurial Intentions and Actions, *Entrepreneurship; Theory and Practice*, 18 (4), 63-77.
- Boyd, R. (1991). A contextual analysis of black self-employment in large metropolitan Areas, 1970–1980, *Social Forces* 70, 409–429.
- Butler, J. & Herring, C. (1991). Ethnicity and entrepreneurship in America: Toward an explanation of racial and ethnic group variations in self-employment, *Sociological Perspectives*, 34, 79–94.
- Butler, J. & Herring, C. (1991). Ethnicity and entrepreneurship in America: Toward an explanation of racial and ethnic group variations in self-employment, *Sociological Perspectives* 34, 79–94.
- Chen, C. C., Green, P. G. & Crick, A. (1998). Does Entrepreneurial Self-efficacy Distinguish entrepreneurs from Managers? *Journal of Business Venturing*, 13, 295-316.
- Crant, M.J. (1996). The proactive personality scale as a predictor of entrepreneurial intentions, *Journal of Small Business Management*, 34: 42–49.
- Davidsson, P. (1991). Continued entrepreneurship: Ability, need, and opportunity as determinants of small firm growth, *Journal of Business Venturing*, 6 (6): 405–429.
- Davidsson, P. (1995). Determinants of entrepreneurial intentions. Paper presented at the RENT IX Conference, Workshop in Entrepreneurship Research, Piacenza, Italy, November 23–24.

- Deakins, D & Freel, M. (1998). Entrepreneurial Learning and Growth Process in SMEs, *The Learning Organization*, 5 (3), 144-155.
- Evans, D. & Leighton, L.S. (1989). The determinants of changes in U.S. self-employment, 1968-1987, *Small Business Economics*, 1, 111-119.
- Fairlie, R. & Meyer, B. (1996). Ethnic and racial self-employment differences and possible explanations, *Journal of Human Resources*, 31 (4), 757-93.
- Fishbein, M & Ajzen, I. (1975). *Belief, Attitude, Intention, and Behavior: An Introduction to Theory and Research*, Addison-Wesley, New York.
- Gartner, W.B. (1988). Who is an entrepreneur? Is the Wrong Question, *American Journal of Small Business*, 12: 11-22.
- Henderson, J. (2002). Building the Rural Economy with High-Growth Entrepreneurs, *Economic Review*, 87 (3): 45-70.
- Katz, J.A. (1992). A psychological cognitive model of employment status choice, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 17: 29-37.
- Kim, M. & Hunter, J. E. (1993). Relationships among Attitudes, Behavioral Intention, and Behavior, *Communication Research*, 20 (3): 331-364.
- Krueger, N.F. & Carsrud, A.L. (1993). Entrepreneurial intentions: Applying the theory of planned behavior, *Entrepreneurship & Regional Development*, 5: 315-30.
- Krueger, N.F. (1993). The impact of prior entrepreneurial exposure on perceptions of new venture feasibility and desirability, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 18 (1): 5-21.
- Krueger, N.F., Reilly, M.D. & Carsrud, A.L. (2000). Competing models of entrepreneurial intentions, *Journal of Business Venturing*, 15 (5/6): 411-432.
- Kruger, N. F & Brazeal, D. V. (1994). Entrepreneurial potential and potential entrepreneurs, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 18 (3): 91-103.
- Landry, R., Allard, R., McMillan, B. & Essiembre, C. (1992). A macroscopic model of the social and psychological determinants of entrepreneurial intent, *Frontiers of Entrepreneurship Research*, 21: 591-605.
- Light, I. & Bonacich, E. (1988). *Immigrant entrepreneurs, Koreans in Los Angeles 1965-1982*, University of California Press, Berkeley, Los Angeles.
- Lumpkin, G. T. & Dess, G. G. (1996). Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance. *Academy of Management Review*, 21 (1): 135-172.
- McClelland, D. C. (1961). *The achieving society*, Princeton, NJ; Van Nostrand.
- Mhoseni, A. (2008). Investigating the effect of entrepreneurship education on entrepreneurial attitude and perceived of public self-efficacy among students of Shahid Beheshti University. M.sc Thesis, Shahid Beheshti University. Tehran.
- Morris, M. H. (1998). *Entrepreneurial Intensity Sustainable advantages for Individual Organization, and Societies*, Westport, CT: Quorum.
- Orhan, M. & Don, S. (2001). Why Women Enter in to Entrepreneurship an Explanatory Model, *Women in Management Review*, 16: 232-247.
- Rahmanian Koshki, M., Chizari, M. & Havasi, A. (2012). Investigating factors affecting on entrepreneurial intention of students of Islamic Azad University Ilam Branch. *Entrepreneurship Development*, 4 (15): 125-144.
- Rajjman, R. (1996). *Pathways to self-employment and entrepreneurship in an immigrant community in Chicago*, Unpublished Ph.D Dissertation. The University of Chicago.
- Scherer, R. F., Brodzinski, J. D. & Wiebe, F. A. (1991). Examining the relationship between Personality and Entrepreneurial Career Preferences, *Entrepreneurship and Regional Development*, 3: 195-206.
- Shapero, A. (1982). *Social Dimensions of Entrepreneurship*. In C. Kent, D. Sexton and K. Vesper, eds., *The Encyclopedia of Entrepreneurship*, Englewood Cliffs: Prentice-Hall, 72-90.
- Yoon, I.J. (1991). The changing significance of ethnic and class resources in immigrant businesses: The case of Korean immigrant businesses in Chicago, *International Migration Review*, 25: 303-332.